

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، پیاپی ۲۹، صص ۱۳۵-۱۱۷

DOI: [10.22051/TQH.2016.2251](https://doi.org/10.22051/TQH.2016.2251)

رویکرد شیخ کلینی نسبت به روایات محمد بن ابی عمیر

بی بی حکیمه حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۸/۱۸

چکیده

کشی در رجال خود ضمن ذکر اصحاب امام ششم تا امام هشتم (ع) تعبیری درباره سه گروه از یاران این امامان دارد که متأخران با توجه به آن، کسانی را به عنوان اصحاب اجماع نامبردار ساخته‌اند. نام محمد بن ابی عمیر در گروه سوم آمده است. او از یاران برجسته و خوشنام امام کاظم، امام رضا و امام جواد و راوی و مصنف بخش مهمی از روایات امامیه است که نامش علاوه بر اصحاب اجماع در میان مشایخ ثقات نیز به چشم می‌خورد. دانشوران برجسته امامیه از آغاز پیدایش قواعد علم رجال تا کنون، مواضع فکری و پیرو آن سیره‌های عملی مختلفی در برابر آن اتخاذ نموده و رویکردهایی، از پذیرش موسع تا نقد و انکار قاطع روا داشته‌اند. از آنجا که کافی

اولین کتاب از کتب چهارگانه حدیث شیعه و مهم ترین آنهاست، این نوشتار تلاش کرده است رویکرد آن نسبت به روایات ابن ابی عمیر را به دست آورده و با تمحیص دقیق روایات وی در این کتاب گرانسنگ، چراغی در مسیر پژوهش های حدیثی بیفزود.

واژه های کلیدی: ابن ابی عمیر، اصحاب اجماع، مشایخ ثقات، کلینی، الکافی، حجیت مرسلات.

مقدمه

آنچه در این مقاله پی جویی می شود، روایات کافی از محمد بن ابی عمیر، محدث نام آور قرن دوم و سوم هجری است که به دست خلیفه اموی دستگیر و زندانی شده و در مدت ۴ سال غیبت وی، نوشته های حدیثی اش در معرض باران و نابودی قرار گرفت. او پس از آن با تکیه بر حافظه و آنچه از کتب نزد دیگران داشت نقل روایت می نمود (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۶). کاوش در این ساحت، از دو منظر اهمیت دارد: نخست تعداد قابل توجه روایات وی در منابع حدیثی از جمله کتاب کافی؛ و سپس، نظر گاه های مختلف دانشمندان فقه و حدیث در پذیرش مرسلات و روایات ضعیف او.

برخی همچون شیخ انصاری (بی تا، ج ۱، ص ۸۳) و شیخ حر عاملی (۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۸۰) به موجب سخن کشی و شیخ طوسی، نقل اصحاب اجماع - که هجده تن از یاران خاص امامان (ع) هستند - و مشایخ سه گانه را حتی در صورت ضعف و ارسال در سند معتبر شمرده و افزون بر آن، راویان پس از ایشان را در صورت جهل یا اهمال به سبب روایت آنها موثق می دانند. گروهی دیگر همچون شهید ثانی و علامه حلی (حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۶۹ و ۴۲۰) سخن یاد شده را تنها مفید وثاقت اصحاب مورد بحث و عظمت شأن آنان قلمداد کرده و روایت آنها را مستلزم نقد و ارزیابی دانسته اند.

مجموع روایات کلینی از ابن ابی عمیر ۲۸۸۰ حدیث است که در این نوشتار مورد بررسی سندی و متنی قرار گرفته، اسناد آنها به لحاظ اعتبار دسته بندی و آمار نسبتاً دقیقی از آنها ارائه می گردد. سپس با بررسی اجمالی متون روایات ضعیف، به نمونه هایی از قرائن

ضعف متن نیز اشاره می‌شود. پیش از پرداختن به مباحث یاد شده، ابتدا کلیاتی در زمینه دو قاعده رجالی اصحاب اجماع و مشایخ ثلاثه از نظر پژوهشگران خواهد گذشت.

۱. درباره ابن ابی عمیر

نامش محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی مولی اُزد از مهلب بن ابی صفره، از یاران بزرگ مرتبه امام کاظم، امام رضا و امام جواد(ع) است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، شماره ۸۸۸) او نزد شیعه و اهل سنت از جایگاهی بسیار رفیع و در خور توجه برخوردار است (حلی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۰) روایت شده وی را چنان شلاق زدند که نزدیک بود اقرار کند اما صبر نمود؛ و روایت شده که مأمون او را حبس نمود تا قضاوت سرزمینی را به وی بسپارد و خواهرش در مدت خفا و زندانی بودنش نوشته‌های او را دفن کرد یا در محلی پنهان نمود که باران بر آنها بارید و از بین رفت... او همچنین کتابهای زیادی نوشته است. (نجاشی، همان)

شیخ طوسی در فهرست خود وی را از موثق ترین مردم نزد شیعه و سنی و باتقواترین و عابدترین مردم شمرده است... کتابهای صد نفر از اصحاب امام صادق(ع) از او نقل شده و خودش مصنفات زیادی داشت که ابن بطه نود و چهار مورد از آنها را یاد کرده است (بی تا، ص ۱۴۲)

کشی نیز در ضمن روایاتی که در شرح حال وی نقل می‌کند، محمد بن ابی عمیر را از یونس ابن عبدالرحمان فقیه تر، صالح تر و بافضیلت تر دانسته است. (کشی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۹۱)

چنانکه از سخنان بزرگان علم رجال به دست می‌آید ابن ابی عمیر از اصحاب جلیل القدر امامان بوده که محضر سه امام معصوم (امام کاظم، امام رضا و امام جواد) را درک نموده و از دو تن از ایشان (امام رضا و امام جواد) روایت کرده است. او از جمله پرکارترین راویان حدیث به شمار می‌آید که برخی نود و چهار کتاب برای او برشمرده اند (طوسی، بی تا، ص ۴۰۴).

گر چه احتمال می‌رود برخی از این کتب از مجموعه‌های حدیثی باشد که وی از سایر راویان روایت کرده است. چرا که یکی از محققان از بیش از چهل مجموعه حدیثی متقدم یاد می‌کند که راوی آنها ابن ابی عمیر بوده است. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، صص ۲۱۸، ۲۰۹، ۱۸۸، ۱۷۰، ۱۳۱، ...) سال وفات ابن ابی عمیر را ۲۱۷ ضبط کرده اند. (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۶؛ طوسی، بی‌تا، ص ۱۴۲)

۲. قاعده اصحاب اجماع و نظرگاه دانشمندان

قاعده اصحاب اجماع یکی از قواعد عام توثیق رجالی است که بسیار مورد توجه و نقد و نظر اندیشمندان این ساحت می‌باشد و بر پایه سخن کشی، نسبت به ۱۸ نفر از یاران نامی امامان معصوم شکل گرفته است. (ر.ک: کشی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۶ (در مورد اصحاب امام باقر و امام صادق(ع))، ص ۳۲۲ (اصحاب امام صادق(ع))، ص ۴۶۱ (اصحاب امام کاظم و امام رضا(ع))

از مهمترین چالشهای مربوط به قاعده یاد شده، دلالت و وسعت محدوده آن است که محل بحث فراوان و رویکردهای گوناگون محققان است. (برای آگاهی از تفصیل مطلب ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۰) لیکن بطور مختصر می‌توان دو دیدگاه مطرح نمود: عده‌ای معتقدند این عبارت فقط همان راویان را توثیق می‌کند (بعنوان نمونه بنگرید به: حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۸۴؛ خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷).

گروهی دیگر برآنند که علاوه بر توثیق راویان مذکور، راویان بعد از آنها نیز توثیق می‌شوند. (بعنوان نمونه بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۱۹؛ نراقی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۶) گروهی از علما از این عبارت کشی این گونه برداشت کرده‌اند که اگر این افراد، از راویانی هر چند مهمل و مجهول روایت کنند، آن روایت صحیح و نقل آنان از چنین شخصی دلیل بر توثیق او خواهد بود و نیز اگر سند روایت پس از این راویان مرسل باشد، معتبر خواهد بود. (ربانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷)

پس از شیخ طوسی (م ۴۶۰ق.) که این عبارت کشی را در اختیار معرفه الرجال آورده است، جز شهید اول (م ۷۸۶ق.) (مکی عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۱) تا قرن یازدهم کسی از

قاعده اجماع به معنای وسیع آن سخن نگفته است. (ربانی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰) بنابراین احتمال می رود سایر علما تا آن زمان، آن را به معنای وثاقت خود همین راویان گرفته اند؛ همانطور که از عبارت علامه حلی (م ۷۲۶ق.) چنین برداشت می شود. او می گوید: گفته نشود ابان ناووسی است یا عبدالله بن بکیر فطحی است، زیرا مشایخ آنها را توثیق کرده اند و کشی نیز درباره آنها ادعای اجماع و اقرار به فقه آنها نموده است. (حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۶۹ و ۴۲۰) اما از زمان شیخ بهاء الدین عاملی (م ۱۱۳۰ق) دیدگاه دوم درباره قاعده اجماع شهرت یافت و بیشتر فقیهان همچون وحید بهبهانی، محدث بحرانی، سید علی طباطبایی، شیخ انصاری، علامه شفتی، شیخ حر عاملی و علامه مامقانی همین معنا را پذیرفته اند. (بهائی عاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۴۹؛ بهبهانی، بی تا، ص ۲۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۱۸۷؛ طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۹؛ انصاری، بی تا، ج ۱، ص ۸۳؛ شفتی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۸۰؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۷۱)

در مقابل، گروهی دیگر از فقها همچون علامه حلی، محقق اردبیلی، سید محمد عاملی، آیت الله خویی و امام خمینی می گویند: مراد کشی از این عبارت صحت روایات آنان می باشد. بدین معنی که این هجده نفر در اخبار خود راست می گویند و ثقه هستند. حتی امام خمینی بر آن است که شیخ طوسی عبارت کشی را تلخیص کرده ولی آن را نپذیرفته است. (خمینی، بی تا(الف)، ج ۳، ص ۲۴۲)

نکته مهمی که در این مقال شایان توجه است اینکه، حتی بسیاری از قائلین به معنای اول، مراسلات ابن ابی عمیر را از سایر افراد متمایز دانسته و آنها را معتبر می شمارند. از جمله امام خمینی (ره) که در مکاسب محرمة به حجیت مراسیل ابن ابی عمیر تصریح نموده و می فرماید از مراسلات اصحاب اجماع فقط مراسلات او معتبر است و نه مسنداتش، بدین معنا که مسندات محمد بن ابی عمیر باید از نظر سند بررسی شود. (خمینی، بی تا(ب)، ج ۱، ص ۲۵۸) آیت الله حکیم نیز در مورد مراسلات محمد بن ابی عمیر تصریح به اعتبار آن می نماید (طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۸۶)

۳. قاعده مشایخ ثقات در توثیقات عام

یکی از مباحثی که در شمار توثیقات عام و همگانی مطرح می‌شود وثاقت کسانی است که مشایخ ثقات از آنان روایت کرده‌اند که محمد بن ابی عمیر یکی از آن سه نفر است. (نجاشی، ۱۴۱۲، ص ۳۲۶، شماره ۸۸۷، طوسی، بی‌تا، ص ۱۴۷، کشی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۵۴-۸۵۶) خاستگاه این ادعا سخن شیخ طوسی در عده الاصول است که هرگاه راوی روایت مرسل از جمله افرادی بود که جز از ثقه روایت و ارسال نمی‌کند (... لا یروون و لا یرسلون الا عن یوثق به...) خبر دیگری بر حدیث او ترجیح ندارد. به همین سبب دانشمندان شیعه روایات محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن ابی نصر و دیگر ثقاتی که جز از ثقه روایت و ارسال نمی‌کنند را با مسانید دیگران برابر می‌دانند. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴)

مبانی دانشمندان حدیث و فقه در پذیرش اصل این قاعده و توسعه آن متفاوت است. بطوری که بعضی، فقط مراسلات ابن ابی عمیر را پذیرفته‌اند؛ (مانند: خمینی، بی‌تا (الف)، ج ۳، ص ۲۴۹) گروهی مراسلات هر سه نفر را حجت می‌دانند (مانند: حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱) و گروه دیگر دایره بحث را گسترده‌تر نموده و مراسلات اصحاب اجماع را می‌پذیرند. (مانند: سیستانی، بی‌تا، ص ۱۹)

از سوی دیگر، اقوال نقد گرایانه‌ای نیز در زمینه این قاعده به چشم می‌خورد. گروهی معتقدند مراسلات مشایخ ثلاثه معتبر است اما نقل آنها از راوی دلیل توثیق آنها نمی‌شود. (صدر عاملی، بی‌تا، ص ۲۶۸)

گروهی نیز همچون شهید ثانی، علامه اردبیلی، شیخ حسن عاملی و از معاصرین، آیت الله خوئی نقل مشایخ ثلاثه را نه دلیل بر توثیق راوی دانسته و نه مراسیل آنها را معتبر می‌شمارند. (موسوی عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۸۴؛ خوئی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۵)

۴. روایات کلینی از ابن ابی عمیر در کافی

در این مجال، اسناد و متون روایات کافی از محمد بن ابی عمیر مورد بررسی قرار می‌گیرد تا صرفنظر از قاعده رجالی موجود و عمل علمای شیعه، به تعداد و چگونگی این

روایات در اولین کتاب از کتب چهارگانه حدیثی شیعه دست یافته، آمار نسبتاً دقیقی از انواع اسناد موجود از وی ارائه گردد.

۴-۱. دسته بندی روایات بر اساس ویژگی های سند

به طور کلی در کافی کلینی ۲۸۸۰ روایت از محمدبن ابی عمیر ازدی روایت شده است که تعداد قابل توجهی از آنها صحیح و اندکی ضعیف می باشد. با توجه به اینکه نوع ضعف سند در یافتن میزان اعتبار و قابلیت پذیرش آن سهم بسزایی دارد، آمار این روایات به تفکیک نوع ضعف آنها و برخی نکات سودمند آورده می شود:

۴-۱-۱. صحیح

در حدود ۲۴۶۰ روایت از مجموع روایات، طبق بررسی رجال سند صحیح بوده و از سند کاملاً معتبر برخوردار است. منظور از صحت روایات در این مقال، اتصال سند به نقل ثقه از ثقه، پس از محمدبن ابی عمیر است؛ چرا که اقتضای بررسی روایات یک راوی چنین است و برشمردن ضعفا در ادامه طریق که پیش از راوی قرار می گیرد موجب خدشه در جمع بندی نهایی و داوری نسبت به روایات او خواهد شد.

۴-۱-۲. موثق

تعداد روایات موثق در اسناد ابن ابی عمیر ۳۲ روایت است که از راویان فرق مختلف شیعه و اهل سنت نقل شده است. البته با صرف نظر از مواردی که نسبت وقف یا فطحیت و... به راویان وجود داشت اما پس از بررسی مجموع آراء رجالی، ثقه و امامی شناخته شدند.

۱. تمام روایات با کمک نرم افزار درایه النور بررسی رجالی شده و از آن میان ۲۴۶۰ روایت انصاف به صحت اصطلاحی داشته اند. (البته در موارد ابهام و اختلاف نظر، جمع بندی موجود در نرم افزار مبنا قرار گرفته است.) لیکن به دلیل اقتضای مقاله نمی توان یکایک رجال این تعداد روایت را ذکر و توصیف نمود. بویژه اینکه تمرکز این نوشتار بر روایات ضعیف و مرسل ابن ابی عمیر در کافی است.

۴-۱-۳. ضعیف (مرسل)

روایات مرسل که بخش قابل توجهی از اسناد ضعیف مربوط به ابن ابی عمیر را به خود اختصاص داده اند، بیشتر با تعبیری همچون «عن رجل»، «عن بعض اصحابنا» و «عن ذکره» همراه می‌باشند و عدد آنها ۱۰۴ روایت است.

۴-۱-۴. ضعیف (مهمل)

تعداد افرادی که نامی از آنها در کتب رجالی یافت نشد و در اصطلاح علم درایه مهمل به شمار می‌روند در مجموع به ۹۶ مورد می‌رسد.

۴-۱-۵. ضعیف (مجهول)

پر تعداد ترین راوی در اسناد ابن ابی عمیر که به سبب اختلاف نظر فراوان درباره وی، در شمار راویان مجهول شناخته شد، سلیم بن قیس هلالی است که هجده روایت با مضامین مشابه از وی نقل شده است. اما کل روایات مجهول ۳۲ روایت می‌باشد.

۴-۱-۶. ضعیف (مرفوع)

روایاتی که با فاصله چند طبقه بدون ذکر واسطه به امام علی (ع) یا حضرت رسول (ص) نسبت داده شده و غالباً تعبیر «رفعه الی» در آن مشهود است، تحت عنوان مرفوع دسته بندی شده است که تعداد آنها در اسناد ابن ابی عمیر ۱۵ حدیث است.

۴-۱-۷. ضعیف (موقوف)

موقوف در اصطلاح به روایاتی گفته می‌شود که به هیچیک از معصومین (ع) انتساب نداشته و سند آن به یکی از راویان صحابه معصوم (ع) منتهی گردد. به عقیده برخی صاحب‌نظران این نوع، از روی مسامحه حدیث گفته می‌شود و در حقیقت طبق تعریف حدیث و روایت، چنین سخنی حدیث نیست. لذا در عدم اعتبار و پذیرش این دسته از

روایات نمی‌توان تردید نمود، در مجموع اسناد بررسی شده ۴۷ حدیث موقوف وجود دارد.

۴-۱-۸. ضعیف (مجروح)

یکی از مهمترین مسائلی که پدیدآور اختلاف نظر علما در مورد پذیرش مرسلات ابن ابی عمیر می‌باشد، وجود راویان ضعیف و متهم به دروغ در اسناد اوست. در روایات بررسی شده، تعداد ۱۴ روایت از هفت راوی بدنام وجود دارد که به سبب اهمیت و اثرگذاری این دسته، در ذیل به اسناد و ارزیابی رجالی افراد یاد شده اشاره می‌گردد. لازم به یادآوری است که در ارزیابی رجالی راویان ضعیف، کتب هشتمگانه رجالی مورد بررسی قرار گرفته و در موارد اشتراک به ذکر اهم منابع اکتفا شده است و تنها در مواردی که وصفی یا سخنی در مورد راوی مورد بحث در منبع خاصی دیده می‌شد، آن نکته به سخن مشترک رجالیون افزوده شده است.

۴-۱-۸-۱. ابو الجارود

نام ابو الجارود در دو طریق از روایات ابن ابی عمیر مشهود است:

۱- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن عمر بن اذینه عن ابي الجارود عن ابي جعفر(ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۴۲)

۲- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن عبدالصمد بن بشیر عن ابي الجارود عن ابي جعفر(ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۹۸)

کشی در شرح حال ابو جارود دو روایت نقل می‌کند: امام صادق(ع) در مورد او فرمودند: دروغگو، تکذیب کننده و کافر است و لعنت خدا بر او باد. (کشی، رجال، الجزء الأول، ش ۴۱۶۲۳۰)

امام باقر(ع): نام ابو جارود در مذهب زیدیه سرحوب است و سرحوب نام شیطان کوری است که در دریا زندگی می‌کند و ابو جارود هم نابینا و کوردل بود. (همان، ش ۴۱۳۲۲۹)

۴-۱-۸-۲. یزید الصائغ

نام او در دو طریق از روایات ابن ابی عمیر مشهود است.

- ۱- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن حسن بن عطیة عن یزید الصائغ قال قلت لأبی عبد الله (ع) ... قال (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۸۹؛ ج ۲، ص ۲۹۰)
 - ۲- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن الحسن بن عطیة عن یزید الصائغ قال قلت لأبی عبد الله (ع) ادع الله لنا فقال... (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۸۰)
- از فضل بن شاذان روایت شده که دروغگویان مشهور أبو الخطاب و یونس بن ظبیان و یزید الصائغ و محمد بن سنان هستند و مشهورترین آنان أبو سمیئة است. (کشی، رجال، الجزء الأول، ش ۱۰۳۳۵۴۶)
- او به قم آمده بود در حالیکه به دروغ مشهور بود... پس از مدتی به غلو مشهور شد و أحمد بن محمد بن عیسی او را از قم اخراج نمود در حالیکه دروغگو و مشهور به ارتفاع بود، اعتنایی به او نبود و حدیث او نوشته نمی شد. (حلی، خلاصه، ص ۲۵۳)

۴-۱-۸-۳. عمرو بن جمیع

نام وی در سه طریق از روایات ابن ابی عمیر دیده می شود.

- ۱- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن الحارث بن بهرام عن عمرو بن جمیع قال قال أبو عبد الله (ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۴۲)
 - ۲- عن محمد بن یحیی [ضمیر] عن أحمد بن محمد عن ابن ابی عمیر عن الحارث بن بهرام عن عمرو بن جمیع قال سمعت أبا عبد الله (ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۴۵)
 - ۳- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن الحارث بن بهرام عن عمرو بن جمیع قال سمعت أبا عبد الله (ع) (همان)
- نجاشی و شیخ او را قاضی ری و ضعیف توصیف نموده اند (نجاشی، رجال، باب عین، ش ۷۶۹، طوسی، رجال، باب عین، ش ۳۵۱۷۲۵۱ - ۴۲۶) و علامه حلی وصف بتری را بر آنها افزوده است. (حلی، خلاصه، ص ۳۲۴۱)

۵-۱-۸-۴. سلیمان بن عمرو

تنها سندی که در روایات ابن ابی عمیر متضمن نام این راوی است عبارتست از: علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن سيف بن عميرة عن سليمان بن عمرو قال سمعت ابا عبد الله(ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۷۳) به کذاب نخع معروف بوده (ابن الغضائری، رجال، ص ۶۵، ابن داود، رجال، الجزء الثاني، ش ۲۱۷۴۵۹) و ابن غضائری از امام صادق(ع) روایت می کند که او جداً ضعیف است. (ابن الغضائری، رجال، ص ۶۵)

۴-۱-۸-۵. سالم بن ابي حفصة

در یک سند حضور دارد: و عن علی بن ابراهیم[ضمیر] عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن هشام بن سالم عن زرارة عن سالم بن ابي حفصة عن ابي عبد الله(ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۴۷)

در رجال کشی دو روایت نقل شده است که یکی بر مرجئی بودن سالم دلالت دارد (کشی، رجال، الجزء الاول، ش ۴۲۶۲۳۵) و دیگری از غلو او حکایت می کند. (همان) آنچه در رجال ابن داود (ابن داود، رجال، الجزء الثاني، ش ۱۹۲۴۵۵) و خلاصه علامه حلی (حلی، خلاصه، ش ۳۲۲۷) نیز به چشم می خورد نقل دروغگویی او و لعنت و تکذیب و تکفیر امام باقر(ع) نسبت به اوست.

۴-۱-۸-۶. عمرو بن شمر

نامش در دو طریق از روایات ابن ابی عمیر وجود دارد.

۱- محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر عن ابراهیم بن عمر عن عمرو بن شمر عن جابر عن ابي جعفر(ع) قال قال النبي(ص)... ثم قال يا جابر(کلینی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۶۸)

۲- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن خلاد السندی عن عمرو بن شمر عن جابر عن ابي عبد الله(ع) قال قلت له... قال(کلینی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۴۴۷)

عمرو بن شمر أبو عبد الله الجعفی جدا ضعیف بود. أحادیثی در کتب جابر جعفی می‌افزود و برخی را به او نسبت می‌داد و به این ترتیب ایجاد شبهه می‌کرد. (ابن داود، رجال، ش ۳۵۸۴۸۹)

۴-۱-۸-۷. یونس بن ظبیان

سه روایت از او در میان روایات مورد بحث وجود دارد.

۱- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن جميل بن دراج عن يونس بن ظبيان عن أبي عبد الله (ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۴۷۳)

۲- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن حسين بن أحمد المنقري عن يونس بن ظبيان قال قلت لأبي عبد الله (ع) (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۳۷۳)

۳- محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن حسين بن أحمد المنقري عن يونس بن ظبيان قال قلت ل أبي عبد الله (ع) (همان) نجاشی او را جدا ضعیف شمرده که اعتنایی به مرویات او نیست و تمام کتابهایش تخلیط است. (نجاشی، ش ۱۲۱۰) ابن غضائری نیز وی را به کوفی، غال و وضاع حدیث توصیف کرده است که طبق فرموده حضرت امام صادق (ع) به حدیث او اعتنایی نیست. (ابن الغضائری، رجال، ش ۱۰۱). ابن داود نیز همین اوصاف را نقل می‌کند. (ابن داود، رجال، الجزء الثاني، ش ۵۴۸۵۲۷)

لازم است در انتها خاطر نشان شود که حدود بیست روایت نیز به نحوی دچار ضعف و یا ارسال بودند که به اسناد ابن ابی عمیر ارتباط نداشته و در سلسله سند قبل از وی قرار گرفته اند، لذا برای مخدوش نبودن آمار داده شده از انواع روایات وی در کافی، این تعداد در آمارهای ذکر شده به حساب نیامده است.

۴-۲. نکات قابل تأمل در متن روایات ضعیف ابن ابی عمیر

پس از بررسی و شناخت اسناد روایات ابن ابی عمیر در کافی، خوب است گذری کوتاه بر متن روایات ضعیف آن داشته باشیم و مضمون آنها را با توجه به معیارهای بررسی

متنی حدیث بیازماییم. پیش از ورود به اصل بحث و نمونه روایات، نخست یادآور می‌شویم دانشمندان علم حدیث، اصول و معیارهای گوناگونی را برای سنجش متن روایات و دستیابی به میزان اعتبار آنها ارائه نموده‌اند که به طور خلاصه می‌توان نشانه‌های ضعف را در مضمون روایات چنین برشمرد: (ر.ک: فتاحی‌زاده، ۱۳۸۹، صص ۹۳-۱۳۶ و شانه‌چی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵)

الف- مخالفت با عقل یا حس بطوریکه قابل تأویل نباشد.

ب - مخالفت با دلیل قطعی قرآن.

ج - مخالفت با سنت قطعی پیامبر (ص).

د - مخالفت با تاریخ صحیح یا اجماع مسلمین.

هـ - وجود برخی قرائن از جمله: رکاکت لفظ و معنا؛ تناسب با عقاید برخی فرقه‌ها؛ بیان ثواب و عقاب بیش از اندازه که با عمل تناسب ندارد؛ تناقض درونی و... اکنون به چند نمونه از نکات قابل خدشه در متن روایات ضعیف یاد شده، اشاره می‌گردد:

۴-۲-۱. وجود گرایشات فرقه‌ای خاص

در دو روایت ذیل، روایت اول تاویل ناپذیر را بر خلاف دیدگاه مشهور که در ارتباط با قیامت و زمان آن تفسیر می‌کنند، حضرت علی(ع) شمرده شده و در روایت دوم به نوعی، نیروهای غیبی یا احتمالاً ملائکه اشاره شده که در منظر عموم مردم بر امیرالمومنین (ع) وارد شده و به مدح ایشان پرداخته است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ يَسْأَلُونَكَ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ آيَةِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (النبا: ۱) قَالَ ذَلِكَ إِلَيَّ إِن شِئْتُ أَخْبِرُهُمْ وَإِنْ شِئْتُ لَمْ أَخْبِرُهُمْ ثُمَّ قَالَ لَكِنِّي أَخْبِرُكَ بِتَفْسِيرِهَا قُلْتُ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (النبا: ۱) قَالَ فَقَالَ هِيَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَقُولُ مَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَكَأَنَّ لِلَّهِ مِنْ نَبِيٍّ أَعْظَمُ مِنِّي. (كلینی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۰۷)

به امام صادق (ع) عرض کردم فدایت کردم، شیعه در مورد تفسیر آیه «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» از شما پرسش نموده اند. فرمود آن نزد من است اگر بخواهم ایشان را آگاه می سازم و گرنه خیر. لیکن اکنون تو را به تفسیر آن آگاه می کنم... آیه در شأن امیرالمؤمنین (ع) است. آن حضرت می فرمود خدای عزوجل را نشانه ای بزرگتر از من نیست و خدای تعالی خبری عظیم تر از من ندارد.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْبُرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زَيْدِ النَّيْشَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيُّ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ أُسَيْدِ بْنِ صَفْوَانَ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ لَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ارْتَجَعَ الْمَوْضِعَ بِالْبُكَّاءِ وَ دَهَشَ النَّاسُ كَيَوْمِ قُبُضِ النَّبِيِّ ص وَ جَاءَ رَجُلٌ بَاكِيًا وَ هُوَ مُسْرِعٌ مُسْتَرْجِعٌ وَ هُوَ يَقُولُ الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ خِلَافَةُ النَّبُوَّةِ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَ أَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا وَ أَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَ أَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ وَ أَعْظَمَهُمْ عَنَاءً وَ أَخْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص ... فَأَلْحَقَكَ اللَّهُ بِنَبِيِّهِ وَ لَأَ أَحْرَمَنَا أَجْرَكَ وَ لَأَ أَضِلَّنَا بَعْدَكَ وَ سَكَتَ الْقَوْمُ حَتَّى انْقَضَى كَلَامُهُ وَ بَكَى وَ بَكَى أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) ثُمَّ طَلَبُوهُ فَلَمْ يَصَادِفُوهُ. (همان، ج ۱، ص ۴۵۵ و ۴۵۶)

هنگامی که روز رحلت حضرت علی (ع) فرارسید، مردم شیون و گریه فراوان کردند... و مردی گریان و نالان آمد در حالی که می گفت: امروز خلافت پیامبر قطع شد. تا آنکه بر در خانه امیرالمؤمنین (ع) ایستاد و گفت: یا ابالحسن خداوند تو را رحمت کند اولین نفری بودی که اسلام آوردی، و خالص ترین ایمان، شدیدترین یقین، بیشترین خوف از خدا و ... از آن تو بود. خداوند تو را به رسولش ملحق نماید و ... ما را پس از تو گمراه نسازد. قوم نیز سکوت کردند تا کلامش پایان یافت و یاران رسول خدا (ص) گریستند و گریستند. سپس به دنبالش شتافتند اما او را نیافتند.

۴-۲-۲. زیاده روی در ذکر اهمیت و پاداش امور مختلف

در روایت اول تقیه که در میان برخی صاحب نظران شیعی نیز گاه محل بحث است، ۰/۹ یعنی نود درصد کل دین به شمار رفته و در روایت دوم برای اشک به طور مطلق و

بدون شرایط و انگیزه‌های خاصی، پاداش‌های دور از ذهن بیان شده است. ابنُ اَبی عُمیرِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَمْرِوَالْأَعْجَمِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا أَبَا عَمْرٍ إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيهِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَهُ لَهُ وَ التَّقِيَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي النَّيِّدِ وَ الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ. (همان، ج ۲، ص ۲۱۷)

همانا نه دهم دین در تقیه است و کسی که تقیه نمی کند دین ندارد. تقیه در همه چیز جز در شراب و مسح بر کفشها وجود دارد.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُطْفِئُ بِحَارًا مِنْ نَارٍ فَإِذَا اغْرُورَقَتِ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَرْهَقْ وَجْهًا قَتْرٌ وَ لَا ذَلَّةٌ فَإِذَا فَاضَتْ حَرَمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ وَ كَوَّ أَنْ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لُرُحِمُوا. (همان، ج ۲، ص ۴۸۲)

هر چیزی وزن و اندازه‌ای دارد غیر از اشک که قطره‌ای از آن دریا‌های آتش را خاموش می‌سازد. اگر چشم از آب آن پر شود صورت را تنگی و خواری نرسد و چون جاری گردد خداوند او را بر آتش حرام می‌سازد و اگر یک نفر در میان امتی گریه کند همه آنها مورد رحمت الهی واقع می‌شوند.

۴-۲-۳. عدم تناسب معنای حدیث با مسائل عقلی و حسی

در این روایت هشدار و انداز فوق العاده نسبت به مسائل جدید و اعتماد به هر فردی صورت گرفته است که با عقل و نیز بسیاری از روایات دیگر در باب حسن ظن به مؤمنین در تعارض است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ الْعَلْبِيِّينَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَبَلِ لَمْ يَسْمَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَيْكَ بِالتَّوَادِّ وَ إِيَّاكَ وَ كُلَّ مُحَدَّثٍ لَا عَهْدَ لَهُ وَ لَا أَمَانَ وَ لَا ذِمَّةَ وَ لَا مِيثَاقَ وَ كُنْ عَلَى حَذَرٍ مِنْ أَوْثَقِ النَّاسِ عِنْدَكَ. (همان، ج ۲، ص ۶۳۹)

بر تو باد به سنت‌های گذشته و از هر امر جدیدی پرهیز که نه عهدی او راست و نه امنیتی، نه تعهد و پیمانی. و از موثق ترین افراد نزد خود، بر حذر باش.

نتیجه گیری

اسناد روایات ابن ابی عمیر در کافی جمعاً ۲۸۲۹ عدد می‌باشد که پس از بررسی سندی، ۳۴۸ حدیث مبتلا به انواع ضعف سندی شناخته شد که این تعداد ۱۲/۳ درصد از مجموع روایات این راوی در کتاب کافی را تشکیل می‌دهد. در میان اسناد ضعیف ابن ابی عمیر، هفت راوی بدنام و ضعیف به چشم می‌خورند که از آنها ۱۴ روایت نقل نموده است. این افراد عبارتند از یونس بن ظبیان (۳ روایت)، عمرو بن جمیع (۳ روایت)، یزید الصائغ (۲ روایت) عمرو بن شمر (۲ روایت)، ابوجارود (۲ روایت)، سالم بن ابی حفصه (۱ روایت) و سلیمان بن عمرو (۱ روایت).

در مروری اجمالی بر متن روایات ضعیف یاد شده، قرائنی از ضعف متنی نیز مشاهده شد که وجود گرایش تند مذهبی، ذکر پاداش عظیم ناهمگون با عمل و رکاکت معنایی حدیث از آن جمله است.

نظر نگارنده بر این است که آنچه از تمایز و برتری مرسلات ابن ابی عمیر نسبت به سایر راویان و حتی اصحاب اجماع نقل شد، تا حد زیادی متأثر از واقعه‌ای است که در نقل نجاشی آمده است. به این ترتیب که از بین رفتن کتب حدیثی این راوی معتمد و بزرگ قدر، آن هم در جریان دستگیری و مبارزه با دستگاه خلافت، علاوه بر حسن اعتماد و اجماع علمای امامیه بر وثاقت وی، بار مضاعفی در کفّه پذیرش و عمل به مراسیل ابن ابی عمیر نهاده است؛ که بسیاری از مخالفان و خرده‌گیران بر قاعده اجماع و حتی مشایخ ثلاثه را نیز به گردن نهادن به این مرسلات معطوف نموده است. اما از آنجا که در اسناد مرویات این راوی بزرگ، افراد ضعیف نیز (که حکم به وثاقت آنها به هیچ روی امکان پذیر نیست) به چشم می‌خورند، پرسش اینجاست که مفقود شدن یا از بین رفتن کتب راوی و روایت او از حافظه، بر چه اساس می‌تواند نسبت به نبود راویان ضعیف در اسناد فراموش شده اطمینان بخش باشد؟ در حالیکه عکس این فرض به واقع نزدیک‌تر می‌نماید.

به دیگر سخن، اگر در بررسی اسناد روایات موجود از ابن ابی عمیر، به طور کلی روایت وی از راویان ضعیف و بدنام نفی شده و احتمال وثاقت کلیه راویان وی قوت می‌گرفت، چه بسا حکم به صحت مراسیل یا وثاقت راویان مجهول و ذکر نشده او ساده‌تر بود.

در حقیقت اگر واقعه مفقود شدن و فراموشی نام راویان در عوامل ارسال این صحابی بزرگ امام نبود، باز تعمد و آگاهانه بودن حذف نام راوی به دلیل اعتماد بر او یا سخنش، می توانست رویکرد تساهل (در پذیرش مراسیل وی) را یاری رساند.

به تعبیر روشن تر، سیره ابن ابی عمیر در نقل (و ارسال) از ثقات که امری آگاهانه و عالمانه است، با شرایط قهری و مقتضیات جبری که برای وی رخ داده (از زندان و مفقود شدن منابع و...) خلط شده است. دلیل عمده ارسال در روایات او چنانکه از منقولات قدما به دست می آید امر دوم است؛ پس سزاوار نیست گفته شود حذف راویان به دلیل اعتماد و قطع ابن ابی عمیر به وثاقت ایشان بوده است! چون در این صورت ذکر آنان شایسته تر و برای محققان سودمندتر بود.

در هر صورت شهادت شیخ بر اینکه این افراد جز از ثقه ارسال نمی کنند باقیست، اما پذیرش اینها نیز برای شخصیتی که منابع مکتوب خویش را از دست داده و بر حافظه تکیه دارد، به همین جهت برخی از اسناد را فراموش کرده و به طور مرسل نقل می کند، قدری مشکل است.

البته با توجه به نتایج به دست آمده و نظر داشت سیر تاریخی قواعد اصحاب اجماع و مشایخ ثلاثه که از رجال کشی آغاز شده است؛ احتمالاً شیخ کلینی از این قواعد به معنای کنونی آن بی اطلاع بوده و مبانی ارزیابی و انتخاب روایات نزد او با ملاک های توثیقات خاص و عام که امروز بر علم حدیث سایه گستر است، متفاوت بوده است.

منابع

- **قرآن کریم.**
- ابن داود، تقی الدین (۱۳۹۲)، **رجال ابن داود**، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المطبعة الحیدریه.
- ابن الغضائری، احمد (۱۴۲۲)، **رجال ابن الغضائری**، به کوشش م. ر. جلالی، قم: بی نا.
- انصاری، مرتضی (بی تا)، **الطهاره**، قم: آل البیت.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵)، **الحدائق الناظره**، تحقیق محمد تقی ابروانی، بیروت: الاضواء.
- بهایی عاملی، محمد بن الحسین (۱۴۱۴)، **مشرق الشمسین**، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- بهبهانی، محمدباقر (بی تا)، **الفوائد الحائریه**، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲)، **وسائل الشیعه الی احکام الائمه**، مشهد: تحقیق بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- حلی، احمد بن فهد (بی تا)، **المهذب البارع**، تحقیق شیخ مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲)، **خلاصه الاقوال فی علم الرجال**، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، قم: افست مکتبه الرضی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲)، **مختلف الشیعه**، تحقیق رضا مختاری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- خمینی، روح الله (بی تا)، **الطهاره**، قم: چاپخانه علمیه.
- _____، (بی تا)، **المکاسب المحرمه**، قم: بی نا.
- خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا)، **معجم رجال الحدیث**، بیروت: دارالزهراء.
- ربانی، محمد حسن (۱۳۸۰ش)، **دانش درایه الحدیث**، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ربانی، محمد حسن (۱۳۸۲ش)، **دانش رجال الحدیث**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق)، **کلیات فی علم الرجال**، قم: مدیریت حوزه علمیه قم.
- سیستانی، سید علی (بی تا)، **قاعده لاضرر و لا ضرار**، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
- شانه‌چی، کاظم مدیر (۱۳۸۷)، **علم الحدیث**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شفتی، سید محمدباقر (بی تا)، **مطالع الانوار فی شرح شرائع الاسلام**، اصفهان: چاپخانه نشاط.
- صدرعاملی، سید حسن (بی تا)، **النهایه الدرایه**، تحقیق ماجد غرباوی، قم: بی نا.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۰۴)، **مستمسک العروه الوثقی**، تهران: الاعلمی.
- طباطبایی، سید علی (بی تا)، **ریاض المسائل**، قم: آل البيت.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۷)، **العهده فی اصول الفقه**، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، بی جا: بی نا.
- طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، **الفهرست**، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۹)، **مبانی و روش‌های نقد حدیث دو کتب اربعه**، قم: دانشگاه قم.
- کشی، ابو عمرو محمد بن عمر (۱۳۸۹)، **رجال کشی**، تحقیق سید حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، **الکافی**، بیروت: دارالتعارف.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱)، **مقباس الهدایه**، تحقیق محمد رضا مامقانی، قم: آل البيت.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶ش)، **میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین**، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: مورخ.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶)، **روضه المتقین**، تحقیق سید فضل الله طباطبایی، تهران: موسسه فرهنگی کوشانپور.
- مکی عاملی، محمد (۱۴۱۴)، **غایه المراد فی شرح نکت الارشاد**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی عاملی، سید محمد (۱۴۱۳)، **نهایه المرام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷)، **رجال نجاشی**، تحقیق سید موسی شبیری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نراقی، ملا احمد (۱۴۱۷)، **مستند الشیعه**، قم: آل البيت.

Koleyni's Approach to Muhammad b. Abi 'Omayr's Traditions

Bibi Hakimeh Hosseini^۱

Received: 2014/05/26

Accepted: 2015/11/09

Abstract

Kashshi, in his biography book on transmitters (*rijal*), while naming the companions of the sixth to eighth Imams (PBUH), mentions three groups of companions using a term according to which later scholars named them as “the people of consensus” (*ashab-ol ejma'*). Muhammad b. Abi 'Omayr is one of the third groups. He is a prominent and well-known companion of the three following imams: Imam al-Kazim, Imam Reza and Imam Javad (PBUT), as well as the narrator and author of an important part of Shiite traditions. He is also considered as one of the “authentic hadith teachers” (*mashayekh-o-theghat*). The title “people of consensus” and its requirements, since its introduction up to the meantime, has been open to debate and prominent Shia scholars have adopted various theoretical and subsequently practical approaches toward it from broad acceptance to criticism and outright denial.

Considering Kafi as the first of the four canonical hadith books and the most important Shiite book of tradition, this article has examined its approach to Ibn Abi 'Omayr's narrations in order to reach a better understanding of his status.

Keyword: Ibn Abi 'Omayr, the People of consensus (*ashab-ol ejma'*), Authentic hadith teachers (*mashayekh-o-theghat*), Koleyni, Kafi, Authenticity of broken isnad (*morsal*).

^۱Assistant professor of Quranic sciences and teachings at Tarbiyat Modarress University (Mashhad) Hosseini.dolatabad@gmail.com